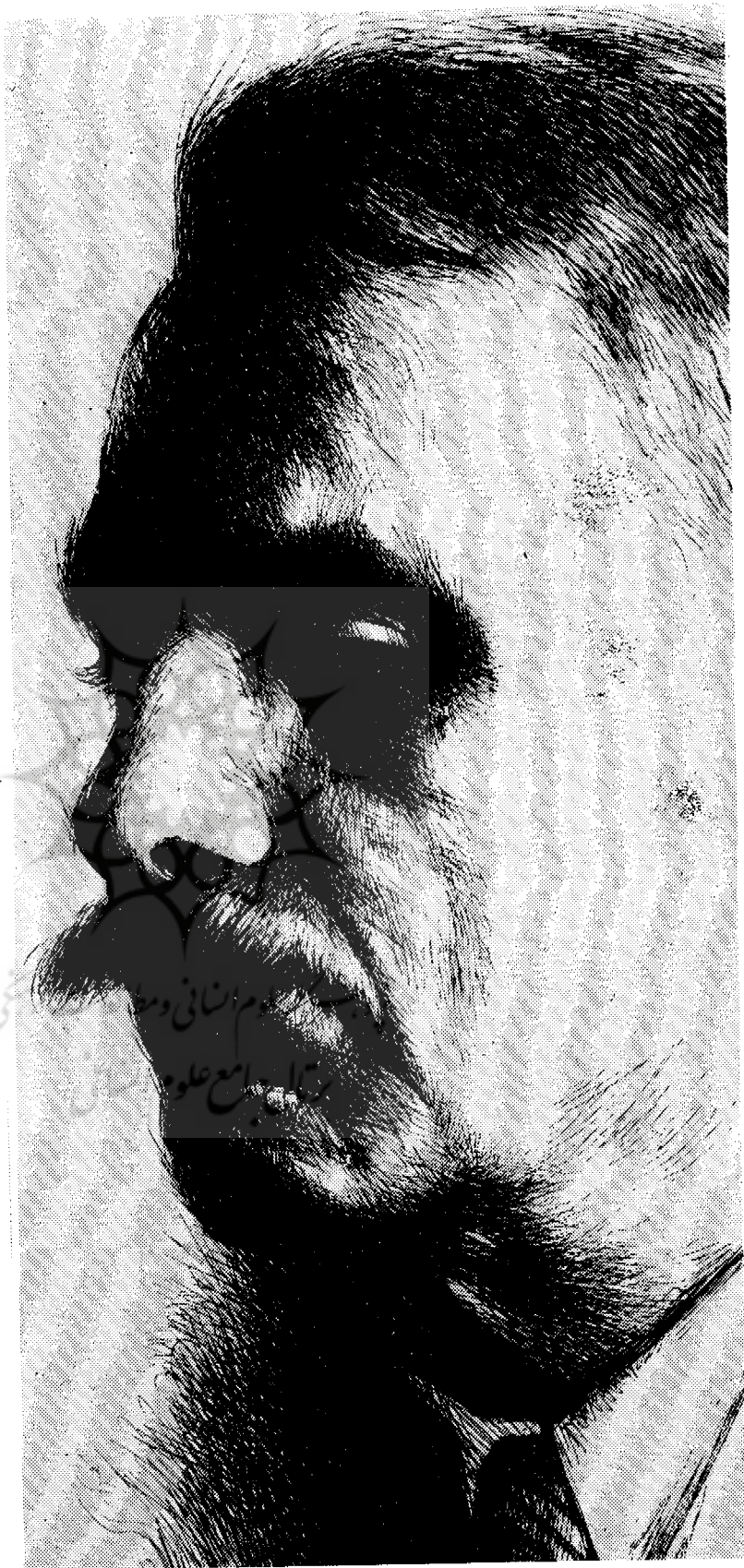


در سالگرد تولد علامه اقبال و در آستانه پنجاهمین سال تأسیس کشور پاکستان، سمینار بین‌المللی افکار اقبال، در لاهور برگزار شد. این همایش که با همت رایزنی فرهنگی کشورمان در پاکستان و با مشارکت آکادمی اقبال پاکستان، بخش اقبال‌شناسی دانشگاه پنجاب و خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور تشکیل شد، روز پنجشنبه ۷۵/۸/۱۷، با پیام مهندس میرسلیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افتتاح شد و در طول چهار نشست ۲۱ مقاله از شش کشور جهان ارائه گردید. برای برگزاری این سمینار از حدود یک سال قبل برنامه‌ریزی و تدارک مقدمات آغاز شده بود و هیئت علمی سمینار مرکب از نمایندگان از نهادهای برگزارکننده، مقالات واصله را که بیش از چهل مقاله بود، بررسی نموده و از صاحبان مقالات برگزیده برای شرکت در

اقبال ستاره بلند شرق است



گزارشی از سمینار بین‌المللی افکار اقبال

همایش دعوت به عمل آورده بودند. در نشست‌های این همایش جمعاً بیش از ۵۵۰ نفر از استادان دانشگاه‌ها، روحانیون اهل سنت و اهل تشیع و دانشجویان دوره‌های عالی دانشگاه‌ها و نیز شخصیت‌های اجتماعی و علمی شرکت داشتند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیام خود، ضمن تجلیل از افکار علامه اقبال، او را حلقه وصل روابط فرهنگی ایران و پاکستان دانست و با استناد به تمجید مقام معظم رهبری از علامه اقبال، او را ارائه دهنده و تبلیغ‌کننده اسلام راستین محمدی (ص) و یکی از پیشگامان مبارزه با غرب‌گرایی در جهان اسلام تلقی کرد. همچنین توجه اقبال به زبان فارسی و امید او به آینده ایران، در این پیام مورد توجه قرار گرفته بود. این همایش، علی‌رغم وضعیت خاص

پاکستان، مورد استقبال محافل و شخصیت‌های اجتماعی، دینی و علمی قرار گرفت و اخبار آن در روزنامه‌های معتبر پاکستان انعکاس وسیعی داشت. مقاله‌نگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار پاکستانی برای نشر مقالات سمینار، ضمن حضور در مراسم، اشتیاق و علاقه نشان می‌دادند. برنامه‌های این همایش تقریباً به‌طور کامل توسط دفتر نمایندگی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در پاکستان ضبط شد.

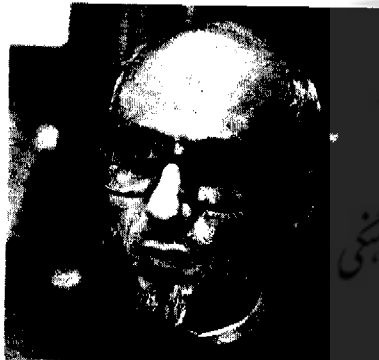
برگزاری این سمینار از سوی شخصیت‌های علمی و متعهد پاکستان نشانه توجه عمیق جمهوری اسلامی ایران به افکار اصیل اسلامی و همسویی انقلاب اسلامی ایران با افکار اقبال تلقی شد و با اظهار خرسندی و رضایت از کیفیت برگزاری این همایش، برگزارکنندگان را مورد

تمجید و تشویق قرار دادند.

شایان ذکر است که این اولین همایشی بود که از طریق مشارکت نمایندگی فرهنگی با نهادهای فرهنگی پاکستان برگزار شد و دستاوردهای ارزنده‌ای را نیز برداشت.

گفتنی است که به زودی مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها توسط نمایندگی فرهنگی کشورمان در پاکستان و آکادمی اقبال به زبان اردو منتشر خواهد شد.

از آنجا که مهندس میرسلیم در پیام خود به نکته‌های بسیار مهم درخصوص اندیشه و افکار اقبال اشاره نموده‌اند، متن کامل پیام ایشان را چاپ و به دنبال آن مقاله آقای علی ذوعلم ریزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان را که در سمینار مذکور ارائه شده بود از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:



فلسفی ایرانیان می‌نویسد: «برجسته‌ترین امتیاز معنوی ایران گرایش آنان به تعقل فلسفی است. چنین می‌نماید که ذهن ایرانی نسبت به دقایق فکری بی‌شکیب است، در تاریخ فکری ایرانی وضع خاصی برقرار است که تعقل فلسفی آن سخت با دین آمیخته و اندیشمندان نوآور آن همواره بنیادگذار جنبش‌های دینی بوده‌اند.»

از طرف دیگر اقبال را می‌توان نماد افکار اندیشمندانه پاکستان دانست که در قالبی تازه ریخته شده است. متفکران پاکستانی با استناد به این شعر اقبال: چو رخت خویش بر بستم از این خاک

علامه دکتر محمد اقبال لاهوری به یقین یکی از بزرگ‌ترین متفکران اسلامی بوده است. آثار و اندیشه‌هایش نه تنها در جریان نهضت آزادی پاکستان و اتحاد مسلمانان شبه قاره تأثیر تمام داشت بلکه احیای تفکر دینی در بین مسلمانان و جهت گرفتن کوشش‌های آنان در راه استقلال فکری نیز از جهات بسیاری مرهون اندیشه و قلم او بود.

اقبال شاعری را به زبان اردو آغاز کرد ولی به زودی پی برد که گوهرهای گرانبه‌ای اندیشه‌های عمیق او ظرفیتی وسیع‌تر می‌طلبد و باید در افقی گسترده‌تر شهباز فکر خود را پرواز دهد. از این رو زبان فارسی را برگزید:

گرچه هندی در عذوبت شکر است
طرز گفتار دری شیرین‌تر است
فکر من از جلوه‌اش مسحور گشت
خامه من شاخ نخل طور گشت

فارسی از رفعت اندیشه‌ام

در خورد با فطرت اندیشه‌ام

در شعر او سنت اسلاف و مضامین تازه در هم می‌آمیزد. از دید اقبال شعر، مثل همه هنرها باید زندگی انسان را پرمایه و زیبا سازد و مسئولیت‌آفرین و هدف‌دار باشد و هر شعری که واجد این معنا نباشد و در مواجهه با مشکلات فکری گرهی نگشاید امر بیهوده و عبث است. از دید اقبال هنر نماینده کوشش انسان در درک حقایق حیات است. او، در بیان مطلب، چنین می‌گوید: «مقصود از هنر اکتساب حرارت حیات ابدی است و گرنه این شراره یک آن چه فایده دارد؟»

یکی از مشهودترین نکاتی که در آثار علامه اقبال می‌توان مشاهده کرد این است که تأثیرپذیری اقبال از فرهنگ ایرانی بسیار گسترده است. وی در کتاب سیر فلسفه در ایران راجع به برتری‌های اندیشه‌های

همه گویند با ما آشنا بود
ولیکن کس ندانست این مسافر
چه گفت و با که گفت و از کجا بود
معتقدند که او خوب خود را شناخت و
توانست اندیشه خود را در قالب شعر
فارسی به جهانیان عرضه کند.

اقبال در سرودن انواع شعر، غزل،
مثنوی، حماسه، رباعی، داستان‌سرایی
دست داشت. در سرودها و نغماتش بیانات
غامض و مبهم فلسفی و علمی را از قید
انحصار رها و به نحوی بیان می‌کند که
گویای جزئی از زندگی عادی بشر است.
اقبال به روشنی کلمات را انتخاب می‌کند تا
بر انسجام بیانش بیفزاید. از دید اقبال مدارج
زیبایی در قدرت و کمال است و زیبایی
عبارت است از فعالیت‌های معنوی و ذهنی
و بالتبع نسبی و اعتباری نه اینکه خاصیت
اشیاء باشد:

بیا که بلبل شوریده نغمه‌پرداز است
عروس لاله سراپا کرشمه نواز است
نواز پرده غیب است ای مقام شناس
نه از گلوی غزل‌خوان نه از رگ ساز
است

کسی که زخمه رساند به تار ساز حیات
زمن بگیر که آن بنده محرم راز است
مرا ز پردگیان جهان خبر دادند
ولی زبان نگشاید که چرخ کج باز است
تنم گلی ز خیابان جنت کشمیر
دلم حریم حجاز و نواز شیراز است
شیفتگی اقبال به ایران و بخصوص
فرهنگ ایرانی بدان حد است که حتی
تخلص خویش را زنده‌رود که همان زاینده
رود معروف اصفهان است برگزید و عظمت
طبیعت و کوه‌های شبه‌قاره مانع از آن
نمی‌شود که در سر سختی و استواری
کوه‌های الوند و بیستون را فراموش کند:

زمین به پشت خود الوند و بیستون
دارد
غبار ماست که بر دوش او گران بوده
است

او محرم رازهایی است که می‌خواهد
گوشه‌هایی از آن را برای مخاطبان خویش
اظهار نماید:

خوش بیا این نکته سنج خاوری
ای که می‌زیبد ز تو حرف دری

بسیار ناشی از آشنایی و انس وی با قرآن و
اسلام است با فرهنگ غرب به ستیزه
برمی‌خیزد.

او ایجاد یگانگی و هماهنگی در دنیای
پر تشتت و ایجاد نظم تحت لوای پرچم
اسلام را می‌خواهد و شناخت سهمی که
پیامبران در سیر تکامل بشر داشته‌اند،
مؤثرترین عامل برای رسیدن به هویت
خودی می‌داند و از مسلمانی غیرت طلب
می‌کند که هنگام گرفتاری و ابتلا به مسائل
ایمان خود را در حفظ ارزش‌های معنوی از
دست ندهد و از خود تهی نشود.

درباره اندیشه و زبان اقبال تاکنون بسیار
گفته‌اند و بسط آن نه تنها از حوصله این
مختصر خارج است، بلکه هنوز در
کتاب‌های متعدد نیز این مفهوم کاملاً
کنکاش نشده است.

اقبال را می‌توان حلقه پیوند مناسبات
فرهنگی ایران و پاکستان، دو ملت مسلمان
منطقه دانست؛ دو ملتی که در عصر کنونی
ویژگی‌های مشترک بسیار داشته و دارند و
در طوفان حوادث هیچ‌گاه دوستی و
یگانگی خود را فراموش نکرده‌اند، این پیام
اقبال است که می‌گوید: بر روی زمین نظری
کن و مردم را ببین... اقوام و مللی را در
نظراور که میوه می‌چینند و ملت‌های دیگر
را ببین که غرق در بدبختی و تیره‌روزی‌اند.
ملت‌های سیاه‌روگری را در نظراور که
نخل امیدشان از ریشه کنده شده است. در
حالی که ملت‌های زنده و فعال دیگری
شکم زمین را می‌شکافند و از بهار حیات
بهره‌مندند. اگر مسلمانان بتوانند این ملت‌ها
را از تعالیم اسلامی برخوردار سازند نخل
امید همگان بارور خواهد شد، زیرا نخل
اسلام نماد باروری و ثمربخشی است. در
جای دیگر می‌گوید: ای مسلمان برخیز و
حقیقت خود را برای اقوام و ملل آشکار کن
زیرا همه محافل عالم وجود نیازمند توست
و مستحق‌اند که از حرارت انفاس تو و از
عزم و تصمیم مردانه تو بهره‌مند شوند.
خونت را گرم‌تر کن تا اینکه روزگار در پناه
حمایت دین تو زندگی کند. ای مسلمان
مانند نغمه امواج در سواحل محبوس
مباش بلکه بجوش و بخروش و پال و پرت
را در اطراف آفاق پخش کن و سراسر جهان

محرم رازیم با ما رازگویی
آنچه می‌دانی ز ایران بازگویی
از جمله بزرگان ایرانی که در شیفتگی
علامه اقبال به فرهنگ ایرانی مؤثر بوده‌اند
می‌توان این شخصیت‌ها را نام برد:

منصور حسلاج، یایزید بسطامی،
محمدبن زکریای رازی، ابونصر فارابی، ابن
مسکویه، ابوعلی سینا، ناصر خسرو،
ابوریحان بیرونی، سنایی، سهروردی، عطار
نیشابوری، سعدی، مولوی، شمس تبریزی،
شیخ محمود شبستری، حکیم ملاصدرا
شیرازی، ملاهادی سبزواری. اما از میان
اینان مولوی بیشترین تأثیر را در فکر او
داشته است.

متأسفانه اقبال در ایران سال‌ها پس از
کسب شهرت جهانی وی شناخته شد و
استادانی چون محیط طباطبایی و
ملک‌الشعراى بهار توانستند اندکی او را به
ایرانیان معرفی کنند. بهار در نظر داشت که
در کتاب سبک‌شناسی خود یک فصل را به
مکتب شاعری اقبال تخصیص دهد و درباره
اقبال گفت: من اقبال را خلاصه و نقاوه
مجاهدات و مساعی جاویدان نهصد ساله
عالمان و ادبای اسلامی و میوه رسیده و
کمال یافته این بوستان می‌دانم و در وصف
او چنین می‌گوید:

عصر حاضر خاصه اقبال گشت
واحدی کز صد هزاران برگذشت
هیکنلی گشت از سخن گویی به پا
گفت کل الصیدنی جوف القراء
شاعران گشتند جیشی تار و مار
و این مبارز کرد کار صد سوار

از نکات مهم دیگری که اقبال را از
متفکران دیگر این قرن متمایز می‌کند
بازگشت به فرهنگ «خودی» و هویت
شرقی، آن هم با عنایت به اسلام راستین
محمدی است.

اقبال با تأکید بر حقیقت و واقعیت
«خودی» آن را هسته مرکزی شخصیت
انسان می‌داند. مبنای فلسفه «خودی» ایمان
قوی انسان به تکامل و ترقی است. آزادی
شخصی و بنابراین جاودانگی شخصی
یکی از تجلیات این فلسفه است. آنچه
موجب تقویت «خودی» می‌شود عشق
معنوی است. علامه اقبال در فلسفه خود که

را به نور ایمان خود روشن کن و با نیروی ایسمانت به نام پیغمبر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پرتوافشانی کن. اگر در بوستان گلی نباشد قمری و عندلیب نغمه‌سرایبی نخواهند کرد. اگر در میان برگ‌ها شکوفه لیخند نرزد در بوستان روزگار گل نخواهد خندید. اگر نام محمد (صلی الله علیه و آله) در میان نباشد نبض عالم وجود حرارتی نخواهد داشت.

آری همان‌طور که پاکستان در پرتو تعلیمات او به وجود آمد تحقق جمهوری اسلامی ایران نیز آرمان اقبال بود و ما سرفرازیم که توانستیم با انقلاب اسلامی آرزوی عینی اقبال را به جهانیان عرضه کنیم.

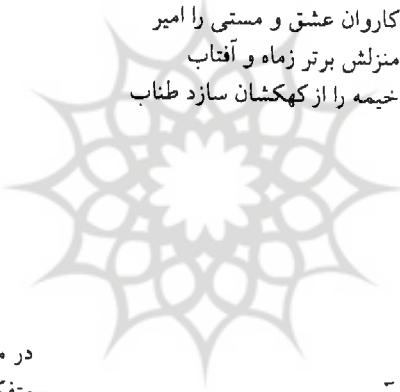
خوشبختانه از برکت این انقلاب شکوهمند اندیشه‌های این مصلح کبیر بیش از پیش شناسایی و معرفی شد، رهبر معظم و فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی که خود یکی از

اقبال‌شناسان بزرگ معاصر است بارها و بارها به معرفی شخصیت اقبال و تبیین اندیشه‌هایش پرداخته و ما خوشوقتیم که برای بزرگداشت آن علامه تاکنون کارهای شایسته‌ای را انجام داده‌ایم، اما باید همواره این فعالیت‌ها را گسترش دهیم و بدانیم که وجود اقبال از جاودانگی مناسبات فرهنگی ایران و پاکستان محسوب می‌شود و به راستی او حلقه اتصال این رشته محکم و ناگسستنی است.

از یکایک دست‌اندرکاران برگزارای این مجمع به ویژه آکادمی اقبال و بخش اقبال‌شناسی دانشگاه پنجاب سپاسگزارم و برای همه حضار آرزوی توفیق دارم و پیام خود را با این شعر اقبال به پایان می‌برم که گفت:

پیر رومی مرشد روشن ضمیر
کاروان عشق و مستی را امیر
منزلش برتر زماه و آفتاب
خیمه را از کهکشان سازد طناب

نور قرآن در میان سینه‌اش
جام جم شرمنده از آینه‌اش
از نی آن نی نواز پاک‌زاد
باز شوری در نهاد من فناد
گفت جان‌ها محرم اسرار شد
خاور از خواب گران بیدار شد
جذب‌های تازه او را داده‌اند
بندهای کهنه را بگشاده‌اند
جز تو ای دانای اسرار فرنگ
کس نگو نشست در نار فرنگ
باش مانند خلیل الله مست
هر کهن بتخانه را باید شکست
امتان را زندگی جذب درون
کم نظر این جذب را گوید جنون
هیچ قومی زیر چرخ لاجورد
بی‌جنون ذوفنون کاری نکرد
مؤمن از عزم و توکل قاهر است
گر ندارد این دو جوهر کافر است
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
سیدمصطفی میرسلیم



در میان آثار مکتوب به جای مانده از متفکر، شاعر و مصلح بزرگ مشرق زمین در قرن حاضر، علامه اقبال، اشعار فارسی او جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا قالب شعری، برای همه متفکران که برخوردار از اندیشه‌ها و یافته‌های عمیق عرفانی و معنوی بوده‌اند، قالب مناسبی برای بیان مطالب بلندشان بوده است.

یک متفکر، در قالب نثر، آموخته‌های خود را که آثار اندیشه دیگران است، همراه با استنتاجات منطقی و ابداعات احتمالی ذهن خود، به رشته تحریر درمی‌آورد، ولی شعر، این مجال را به شاعر می‌دهد که لطائف یافته‌های خود را، بدون اینکه ملزم باشد که مبادی استدلالی و منطقی آن را نیز تبیین کند، به دیگران منتقل سازد. علاوه بر این، شاعر می‌تواند احساسات خود را نیز ابراز نماید و آنچه را در درون دارد از قبیل شور و شوق، دغدغه و اضطراب، امید به

علی ذوعلم

منشور

علامه اقبال در برابر غرب

